



روابط جنسی ممنوعه در اسلام و مجازات آنها در فقه و قوانین جزایی

مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری

dr.khoshsolook@gmail.com

چکیده

در بسیاری از کشورهای جهان، روابط جنسی میان زن و مرد چنانچه با رضایت طرفین باشد، جرم نبوده و حتی در برخی از کشورها روابط جنسی میان مردان با یکدیگر و زنان با یکدیگر جرم محسوب نمی‌شود؛ لیکن در دین مبین اسلام، رابطه جنسی میان مرد و زن، در صورتی شرعی و مجاز می‌باشد که فی‌مابین زن و مرد، علقه زوجیت وجود داشته باشد و زوجین بدین سبب، محرم یکدیگر باشند، در غیر این صورت، رابطه جنسی ارتكابی، در قالب جرایم زنا و مادون زنا، براساس آیات شریفه قرآن حرام بوده و در قرآن کریم، برای آن مجازات‌های حد و تعزیر تعیین شده است. در هر شرایطی نیز رابطه جنسی میان مردان چه در قالب لواط و چه در عناوین تفخیز، مضاجعه، تقبیل و ملامسه حرام بوده و شارع مقدس، شدیدترین نوع مجازات حدی را برای لواط و به تناسب برای سایر جرایم مذکور معین کرده است؛ رابطه جنسی میان دو زن نیز در عنوان مجرمانه مساحقه، جرم محسوب شده و دارای حد شرعی بوده و تقبیل و ملامسه نیز بین زنان همانند مردان دارای مجازات تعزیری می‌باشد. در صورت تجاوز به عنف، در جرایمی مانند زنا و لواط، مجازات تجاوزگر اعدام خواهد بود و در سایر کشورهای جهان نیز در صورت برقراری رابطه جنسی به عنف و تجاوز، برای تجاوزگر در قوانین موضوعه کشورها، مجازات تعیین شده است

واژگان کلیدی: جرایم جنسی، تجاوز به عنف، مجازات، اعدام، تعرض جنسی.

۱- مقدمه

دین مبین اسلام پس از شکل‌گیری و از قرن هفتم میلادی، در اولین منبع از منابع شکلی حقوق اسلامی (کتاب)، به جرم-انگاری روابط جنسی اشخاص با یکدیگر بدون وجود رابطه زوجیت پرداخته و از لحاظ جنسیت، روابط نامشروع بین افراد را به روابط جنسی غیرمشروع مردان و زنان (زنا و مادون زنا)، مردان با یکدیگر (لواط و تفریح) و زنان با یکدیگر (مباحقه) و سایر مصادیق از قبیل «مضاجعه»، «تقبیل»، «ملامسه» و غیره تقسیم بندی نموده و با استناد به قاعده فقهی «وزر» و اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها، ضمن تبیین مسئولیت شخصی مرتکب، مجازات جرایم یاد شده را در قالب «حد» و «تعزیر» تشریح کرده است. ضمن آنکه شارع، برای ایجاد مسئولیت کیفری مرتکبین جرایم جنسی، عناصر اساسی قصد، رضا و اختیار (عناصر معنوی)، انجام فعل حرام (عناصر مادی) و جرم‌انگاری و تبیین مجازات (عناصر قانونی) را ضروری دانسته و با جمع عناصر سه گانه مذکور، اشخاص مرتکب جرایم جنسی را مستوجب مجازات دانسته است.

مجازات جرایم جنسی در قوانین جزایی اسلام، بسته به جنسیت مرتکبین و تجرد و تأهل آنان متفاوت و اغلب شدید بوده و جزا و تنبیه جسمانی در اولویت مجازات‌ها قرار دارد، لیکن علاوه بر «جلد» (شلاق)، در مواردی از مجازات‌های تبیین شده، «جَز» (تراشیدن موی سر زانی) و «تغریب» (تبعید به مدت یکسال) را نیز به عنوان مجازات‌های تکمیلی در نظر گرفته و این در حالی است که مرتکب شرایط خاصی برای ارتکاب جرم داشته و قصد انجام رابطه نامشروع جنسی نیز محرز باشد؛ لیکن در مواردی که قصد و رضایت وجود نداشته و مجنی علیه به عنف، اکراه و یا اجبار مورد تعرض جنسی قرار گرفته باشد، قانونگذار شدیدترین نوع از انواع مجازات‌ها را در نظر گرفته که همانا «سلب حیات» متجاوز می‌باشد که اعدام متجاوز در مصادیق تجاوز به عنف و برخی دیگر از مصادیق جرایم جنسی در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است.

۱-۱- پیشینه پژوهش:

اولین منبع شکلی و اصلی حقوق اسلامی، کتاب (قرآن کریم) بوده که شارع حکیم، در آیات الاحکام به تشریح احکام عدیده-ای اعم از حقوقی و جزایی پرداخته است. شارع مقدس در آیات مختلفی خودداری از روابط جنسی غیرمشروع را بر مکلف تکلیف نموده و علاوه بر جرم‌انگاری، مجازات مجرمین را نیز تشریح فرموده است. پس از «کتاب»، در دومین منبع شکلی حقوق اسلامی (سنت)، سایر احکام و حتی مجازات‌ها بیان شده است.

پس از رحلت پیامبر (ص)، مسلمانان اهل سنت، اقدام به تدوین و نگارش کتب فقهی و اصولی نمودند تا از طریق اجتهاد به احکامی دست یابند که حکم آنها در کتاب نیامده است چرا که بجز سنت پیامبر اکرم (ص)، به سنت ائمه معصومین (ع) قائل نبوده و بدین لحاظ دستیابی به احکام ثانویه برای آنان معتسر بود. اما شیعه، بجز سنت رسول اکرم (ص)، رفتار، گفتار و تقریرات ائمه معصومین (ع) را نیز در زمره سنت معتبر دانسته و تا غیبت کبری حضرت ولی عصر (عج)، به سنت دسترسی داشته و از این چشمه عظیم فقهی بهره می‌بردند و از قرن سوم هجری، نگارش و تدوین کتب فقهی نیز در میان شیعیان رونق گرفت و بدون اغراق باید اذعان نمود که کتب فقهی شیعه را می‌توان منبع غنی احکام در تمامی امور اعم از عبادات، معاملات و احکام حقوقی و جزایی دانست.

با توجه به نص موجود در آیات مربوط به جرایم جنسی در قرآن، احکام فقهی شیعه و اهل تسنن، تفاوتی با یکدیگر نداشته و کافه فقها و علمای اسلامی، روابط جنسی غیرشرعی میان زن و مرد و روابط شنیع جنسی میان مردان و روابط جنسی زنان با یکدیگر را مستند به آیات قرآن کریم حرام، گناه، اثم و به تعبیر حقوقی جرم دانسته و مجازات‌های تعیینی شارع را علیه

مرتکبین، قانونی می‌دانند. در این پژوهش در حد اختصار به نظرات فقهی برخی از فقهای متقدم و متأخر در خصوص جرایم جنسی اشاره شده لیکن استنادات صرفاً در حوصله این پژوهش صورت گرفته است.

۱-۲- روش تحقیق:

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی به موضوع پرداخته و ضمن بیان جرایم جنسی از منظر فقه و حقوق جزایی اسلام، جرایم جنسی به عنف را مورد بررسی قرار داده و با تحلیل موضوعات، مجازات‌های آن را نیز مورد تبیین قرار داده است.

۲- تعاریف و کلیات:

۲-۱- جرائم جنسی:

در ابتدا تعریف جرم مستند به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ یادآوری می‌شود: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود» و با این تعریف، جرایم جنسی، به مصادیقی خاص از تعریف عام جرم اشاره می‌کند که ناشی از تمایل زنان و مردان در امور جنسی به یکدیگر و یا تمایل افراد همجنس به اعمال شنیع و امور جنسی به یکدیگر می‌باشد. از دیدگاه شرعی نیز، به عمل منافی شرع، که حاکی از نوعی انحراف در ارضای غرایز جنسی است اطلاق می‌گردد. استاد گرانقدر، جناب آقای دکتر نوبهار در تعریف جرایم جنسی آورده‌اند: «امور جنسی که به حسب عرف و احساسات یک جامعه، شرم‌آور باشد». مرحوم مجلسی نیز در کتاب گرانقدر بحارالانوار آورده است: «براساس دیدگاه دین اسلام، جرم جنسی، عمل منافی شرع است که مشتمل بر نوعی انحراف در ارضای غرایز جنسی، ایراد صدمه جنسی به دیگری یا متضمن آسیب به عفت عمومی است و قانون‌گذار برای آن‌ها کیفر پیش‌بینی کرده است. در حقوق کیفری اسلام، لواط، حتی اگر کاملاً پنهانی باشد، نوعی انحراف در ارضای غریزه جنسی از مجرای طبیعی است، از زاله نامشروع بکارت از زن، نوعی صدمه جنسی به دیگری است، قوادی تلاش برای به‌انحراف‌کشاندن دیگران و در شکل گسترده آن، نوعی تعرض به عفت عمومی است».

جرائم جنسی را می‌توان زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، ملامسه و سایر جرائمی دانست که شارع مقدس مجازات آنها را در قالب حدود شرعی و یا تعزیر تشریح نموده و قانونگذار نیز بر همین اساس، مجازات مربوط به هر یک از جرایم جنسی را تعیین کرده است. جرائم جنسی، علاوه بر مصادیق مذکور، شامل آزارهای جنسی و هرزه‌نگاری (پورنوگرافی) نیز می‌باشد که مجازات‌های آن در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ قانونگذاری شده و از بحث این پژوهش خارج است.

۲-۲- تجاوز به عنف:

تجاوز: در فرهنگ فارسی عمید، «از حد در گذشتن، از اندازه خارج شدن» به عنوان معانی تجاوز بیان شده است

- تخطی از حد و مرز قانونی و شرعی

- تعدی نمودن از حدود و اختیارات، نیز به عنوان سایر معانی تجاوز آمده است.

عنف: در معانی «شدت، قساوت، ضد رفق» در فرهنگ فارسی عمید آمده است.



ISC^{CM}
International Science Citation Center

Oxford Cert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

اکراه: در فرهنگ معانی مذکور، «کسی را به زور و ستم به کاری واداشتن، کسی را خلاف میل و رضای او به کاری مجبور کردن» در معانی اکراه بیان شده است.

تجاوز به عنف، شدیدترین نوع خشونت جنسی فیزیکی است که طی آن مردی به عنف و به اجبار و بدون رضایت زن با او نزدیکی نماید. این مصداق تجاوز به عنف در تعبیر زنای به عنف، کارا تر بوده و در صورتی که جنسیت مجنی‌علیه، مذکر باشد، تجاوز به عنف به وی، لواط با اکراه و اجبار بوده که مفعول این جرم فاقد هرگونه قصد و تمایل به برقراری رابطه جنسی بوده است.

تجاوز به عنف در جرم شناسی:

اصطلاحی در جرم شناسی است، به معنی انجام نزدیکی جنسی با فرد، بدون رضایت او. در این تعریف تفاوتی بین جنسیت مجنی‌علیه وجود نداشته و مردان و زنان را در برمی‌گیرد.

* نزدیکی فرد بالغ با افراد کم سن و سال و کودکان، حتی اگر با رضایت او باشد، نیز تجاوز محسوب می‌شود.

تجاوز، نوعی خشونت جنسی است که معمولاً شامل آمیزش جنسی می‌شود و توسط فرد یا افرادی به رغم رضایت شخص انجام می‌شود. این عمل می‌تواند با اجبار فیزیکی، تهدید، سوءاستفاده از مسئولیت یا با فردی که ناتوان یا زیر سن قانونی است رخ دهد. این عبارت غالباً در قانون جزایی تعریف می‌شود. کسی که عمل تجاوز را انجام می‌دهد تحت عنوان «متجاوز» یا «تجاوزگر» شناخته می‌شود.

تجاوز جنسی از جمله جرائمی است که نه تنها موجب آسیب‌های فیزیکی، روحی و روانی بسیاری به فرد قربانی می‌شود، بلکه موجب برهم خوردن امنیت و آرامش در جامعه می‌شود.

واژه *rape* (تجاوز) از فعل لاتین *rapere* ریشه گرفته است. تجاوز جنسی نوعی خشونت جنسی است که معمولاً با آمیزش همراه است و توسط فرد یا گروهی از افراد، برخلاف رضایت قربانی انجام می‌شود. این رابطه باید برخلاف میل قربانی و از طریق زور یا تهدید به زور باشد، یا با شخصی که به دلیل وضعیتی خاص مانند بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی یا حتی هشیار نبودن مانند مسمومیت یا بیهوشی، قادر به دادن رضایت قانونی نیست.

تعاریف گوناگونی برای تجاوز جنسی در اقصی نقاط دنیا و نیز برهه‌های مختلف تاریخی، ارائه شده‌است. تعریف تجاوز، در بسیاری متون قضایی، آمیزش (مقاربت) جنسی یا انواع دیگر روابط جنسی است که بدون رضایت فرد قربانی، از سوی شخص متجاوز بر او تحمیل می‌شود. سازمان ملل، آن را تحت عنوان «مقاربت جنسی بدون رضایت»، تعریف می‌کند؛ و سازمان جهانی سلامت، در سال ۲۰۰۲ تعریف «نفوذ به مقعد یا آلت تناسلی زنانه (*vulva*) همراه با اعمال زور و تحت اجبار، به وسیله آلت جنسی مردانه، سایر اندام‌های بدن یا یک شی» را ارائه داده‌است. از سوی دیگر، بعضی جوامع همچون آلمان، تعاریف جامع تری را بکار می‌برند که در آنها، الزامی برای مقاربت در تجاوز نیست؛ دادگاه جنایی بین‌المللی برای رواندا ۱۹۹۸، تجاوز (*rape*) را «تجاوز فیزیکی با ماهیت جنسی، که به یک شخص تحت اجبار اعمال می‌شود»، تعریف می‌کند. در بعضی متون قضایی اصطلاح تجاوز (*rape*) با اصطلاحاتی همچون «رفتار خشونت‌آمیز جنسی» یا «رفتار جنایت آمیز جنسی»، جایگزین شده‌است. اما بسیاری از متون قضایی و کشورها، تجاوز را هم چنان آن دسته از اعمالی می‌دانند که شامل نفوذ آلت مردانه به واژن و



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

سایر رفتارهای جنسی مرتبط، همراه با اعمال خشونت جنسی باشد. به عنوان مثال در برزیل، قانون، تجاوز جنسی را، سکسواژینال بدون رضایت فرد تعریف می‌کند؛ بنابراین، تجاوز به مرد، تجاوز مقعدی (Anal) و تجاوز دهان (oral)، مشمول این تعریف نمی‌شوند که با توجه به مطالبی ارائه شده در این پژوهش، از منظر جنسیت، تفاوتی بین قربانیان نبوده و همانگونه که زنان مورد تعرض و تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، مردان نیز از سوی مردان دیگر، مورد تجاوز جنسی واقع می‌شوند. آنچه در تجاوز به عنف، حائز اهمیت است، عدم رضایت فرد در برقراری تماس و مقاربت جنسی بوده که شرایط تجاوز به عنف را ایجاد می‌نماید.

تجاوز و یا تجاوز به عنف، صرفاً با اعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فرب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

۲-۳- زنا در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲:

با استناد به ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد» و در تبصره‌های ۱ و ۲ همان ماده جماع تعریف شده و جماع با نابالغ نیز تبیین شده است.

«تبصره ۱- جماع با دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود»

«تبصره ۲- هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌شود».

۲-۴- زنا در لغت و فقه:

در فرهنگ معین در تعریف زنا آمده است: «زنا، به جفت گردیدن زن و مرد بصورت نامشروع گویند» (معین، ۱۳۸۷)

در تعریف مندرج در ترمینولوژی حقوق آمده است: «زنا عبارتست از مقاربت در آلت تناسلی زن که بر وی حرام اصلی (نه عارضی مانند حیض بودن زوجه) باشد و شبهه‌ای در بین نباشد، دخول به قدر حشفه موجب تحقق زنا است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰)

فقیه گراندرد، مرحوم آیت الله بهجت در تعریف فقهی زنا آورده‌اند: «زنا (به نحوی که حدّ بر آن مرتّب بشود) به ادخال آلت مرد، در فرج زنی که بر او به تحریم اصلی محرم است، محقق می‌شود» (بهجت، ۱۳۸۵)

در کتب فقهی در تعریف زنا آمده است: «یتحقق الزنا الموجب للحد بادخال الانسان ذكره الاصلی فی فرج امرأة محرمة علیه من غیر عقد نکاح دائماً أو منقطعاً و ... و لا تحلیل و لا شبهة» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴)

در تعریف دیگری از کتاب مبانی تحریرالوسیله آمده است: «وطء امرأة من دون عقد و نحوه علی خلاف القانون بلاشبهة مجوزة» (مومن قمی، ۱۳۸۱)

شهید ثانی نیز در تعریف زنا بیان داشته: «الزنا إِبلاج ای ادخال الذکر البالغ العاقل فی فرج امرأة محرمة علیه من غیر عقد نکاح بینهما و لا شبهة قدر الحشفة عالمأ مختاراً» (شهید ثانی، ۱۳۷۴)

زناى مستوجب حد شرعى باید حائز شرط دخول آلت مردانه به قدر حشفه (به اندازه ختنه‌گاه) باشد در غیر این صورت هرچند که رابطه جنسى غیرمشروع فی مابین زن و مرد صورت گرفته است لیکن این نوع از نزدیکی، با وصف ارتکاب گناه از سوى مرتکبین، دارای حد شرعى نبوده و مستوجب مجازات شلاق تعزیری خواهد بود. به واقع شرط اندازه دخول، مجازات مرتکبین را تغییر خواهد داد.

ارتکاب عمل زنا از نظر قرآن گناه بزرگی است که خداوند در باره آن می‌فرماید: (وَلَا تَقْرُبُوا الزَّانِيَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا) (اسراء، ۳۲): «نزدیک زنا نشوید چرا که عمل بسیار زشتی است و راه و روش بدی است». (الهی قمشاهی، ۱۳۸۲)

«لاتقربوا» فعل نهی است و زمانی که فعل نهی از سوی شارع بر مکلف ابلاغ می‌گردد، افاده «حرمت» می‌نماید به واقع، شارع مقدس حکم زنا را حرمت تشریح فرموده و هر عملی که از سوی شارع، حرام باشد، اثم و گناه محسوب شده و از منظر جزایی، مستوجب مجازات خواهد بود. به همین دلیل در برابر ارتکاب زنا، مرتکبین آن مستوجب مجازات خواهند بود.

مرجع شرعی مجازات فقهی جرم زنا، سوره مبارکه أسراء، آیه شریفه ۳۲؛ سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه ۶۸؛ سوره مبارکه نساء، آیات شریفه ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۴ و ۲۵؛ سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۵؛ سوره مبارکه نور، آیات شریفه ۲، ۳، ۸، ۳۱؛ سوره مبارکه ممتحنه، آیه شریفه ۱۰ و سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۲۱ می‌باشد، که اشاراتی به حرمت و مجازات زنا داشته است. (فتاحی، خوش سلوک، ۱۴۰۲)

۵-۲- انواع زنا در اسلام (فتاحی، خوش سلوک، ۱۴۰۲):

زنا دارای موارد مختلفی است که برای هر کدام از آنها کیفرها و حدود جداگانه‌ای در اسلام وجود دارد که کلی‌ترین حالات به شرح ذیل است.

• زناى غير محصنه

• زناى محصنه

• زناى با محارم

• زناى به عنف

• زناى غير محصنه (زناى عادى)

آن است که شخص زناکار (زن یا مرد) فاقد همسر یا مجرد یا خارج از شرایط احصان بوده و به اختیار خود زنا کرده باشد. به زبان ساده‌تر به زناى شخص مجرد، یا شخص متأهلی که دارای همسر شرعی دائمی بوده که در دسترسش نباشد، زناى غير محصنه گفته می‌شود. به مرد زنا کننده زانی و مونث زانی را زانیه گویند (زنی که بصورت نامشروع زنا کند). (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰) در این نوع از زنا، کیفر شخص زناکار در مرتبه اول یکصد ضربه شلاق است، و اگر سه مرتبه زنا کند و در هر مرتبه حد خورده باشد، کیفر او در مرتبه چهارم اعدام است. مرد را در حالی شلاق می‌زنند که ایستاده باشد، و نباید ضربات شلاق بر سر و صورت و عورت او وارد شود. اگر مرد را هنگام زنا برهنه یافته‌اند، جز عورت بقیه بدن او باید برهنه باشد و اگر با لباس یافته‌اند

بنابر احتیاط به هر نحو که او را یافته‌اند شلاق خواهد خورد. زن را در حالی شلاق می‌زنند که نشسته و بدن او با لباس پوشیده باشد، و از شلاق زدن به سر و صورت او خودداری نمایند. اگر مرد با زن بی شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید. (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۳)

• زنای محصن و محصنه

هر زنا که در آن، عناصر احصان، جمع باشد را زناى محصنه گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰) عرفاً به معنای آن است که شخص زنا کننده دارای همسر دائمی باشد به گونه‌ای که هرگاه بخواهد با همسر خود نزدیکی کند مانعی در کار نباشد و با این حال تن به زنا داده باشد. به زبان ساده‌تر اگر یک زن متأهل زنا کند، به زناى آن شخص «زناى محصنه» گفته و اگر زانی مرد باشد «زناى محصن» اطلاق می‌شود. مجازات زناى محصن در مورد مرد زناکاری که متأهل است، اگر پیرمرد باشد ابتدا یکصد ضربه شلاق و سپس سنگسار است، و اگر جوان است فقط او را سنگسار می‌کنند و بنابر احتیاط واجب است شلاق نزنند، در مورد زن متأهل نیز همین حکم جاری است. اگر مردی که متأهل بوده و زنش در اختیار اوست، اما هنوز با او زناشویی نکرده، با زنی دیگر زنا کند او را صد ضربه شلاق می‌زنند، سرش را تراشیده و به مدت یکسال قمری از شهرش تبعید می‌کنند. ولی برای زن زنا کار حکم تراشیدن سر و تبعید جاری نیست. اگر مردی با زن شوهردار زنا کند براساس فتوای اکثر فقها آن زن بر مرد زانی حرام ابدی (مُحَرَّم مَعْبَد) می‌شود و فرقی نیست بین این که مرد زانی عالم به تأهل زن باشد یا نباشد، و فرقی بین عقد دایم و صیغه نیست. (بنی هاشمی خمینی، ۱۳۸۳)

همچنین است که اگر شخصی با زن شوهردار زنا کند و بعد از مدتی شوهر و زن از هم طلاق بگیرند و یا شوهر از دنیا برود، از نظر اکثر فقهاء، آن کسی که با زن زنا کرده نمی‌تواند حتی بعد از گذشت مدت عده با او ازدواج کند و آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود. (موسوی خمینی، ۱۳۹۰)

• زنای با محارم

زناى با محارم به معنای آن است که مثلاً یک مرد با یکی از زنهایی که جزو محارم نسبی وی هستند و ازدواج کردن با آنان حرام است، زنا کند. محارم نسبی مانند: مادر، خواهر، دختر، دختر خواهر، دختر برادر، اعمات و خالات. مجازات زناى با محارم بنا بر نظر اکثریت قریب به اتفاق فقها اعدام است، ولی مفاد بعضی از روایات این است که با شمشیریک ضربه به گردن او بزنند و اگر زنده ماند او را در حبس نگه دارند تا بمیرد، و احوط رعایت این دستور است. حکم اعدام در زنا با زانی که بواسطه شیر خوردن محرم شده‌اند یا به سبب ازدواج محرم شده‌اند (مانند مادر زن) محل اشکال است، ولی نسبت به زن پدر جاری است. همچنین در این حکم فرقی نمی‌کند که مرد زنا کننده مجرد باشد و یا متأهل. در زناى با محارم، در صورتی که زن به انجام عمل زنا راضی بوده، آن زن نیز اعدام می‌شود.

• زنای به عُنْف (با قهر و غلبه)

عُنْف، در لغت به معنای سخت دلی، قساوت و کراهت (معین، ۱۳۸۷) و در اصطلاح حقوقی به عنوان فعل ارادی که بر انسان دیگر وقوع یافته، بطوریکه مفعول به رضایت نداشته (خواه عدم رضایت همراه با واکنش باشد یا خیر) و بتواند اظهار کراهت از آن فعل کند که همراه با سوءنیت همراه شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰) زناى به عُنْف به معنای آن است که مثلاً زنی به عمل زنا

^۱ محارم مصاهری

راضی نباشد و مرد با زور، ارعاب و تهدید با وی زنا کرده باشد. مجازات زناى به عنف برای مرد زنا کننده «اعدام» است، هر چند احوط آن است که یک شمشیر به گردن او بزنند، گرچه نمیرد.

پیش‌تر نیز بیان شد زناى به عنف، صرفاً با اِعمال اکراه و یا اجبار همراه نبوده بلکه در مصادیق وجود شرایط و وضعیتی خاص برای فرد مورد تجاوز، از قبیل: «فرب، خردسال بودن قربانی، بیماری روانی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، بیهوش بودن یا بیهوش نمودن قربانی و یا مسلوب‌الاراده کردن وی از طریق دارو، مشروبات الکلی و یا مواد مخدر و روانگردان»، تجاوز موضوعیت خواهد یافت.

۲-۶- لواط در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲:

مصدق اصلی همجنس‌گرایی در مردان، لواط است. قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در ماده ۲۲۳، در تعریف این جرم آورده است: «لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازه ختنه‌گاه در دُبُر انسان مذکر است». لذا این عمل شنیع توسط مردان علیه مردان دیگر و یا پسران نابالغ انجام می‌شود.

۲-۷- لواط در فقه:

در تعریف این جرم، فقها آورده‌اند: «و هو: وطء الذکران، فان أوقب قتلاً معاً إن كانا بالغین، عاقلین، حرین کانا أو عبدین، مسلمین أو کافرین، محصنین أو غیرهما أو بالتفریق». (علامه حلی، ۴۱۰ق)

حضرت امام خمینی در تحریرالوسیله آورده‌اند: «اللواط، وطء الذکران من الآدمی بإیقاب و غیره» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴)

«لواط، وطی دو مذکر از جنس آدم به واسطه دخول و غیر آن می‌باشد». (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

محقق حلی در شرایع لاسلام در تعریف لواط آورده‌اند: «اما اللواط: فهو وطء الذکران (وطی) ذکر ذکراً آخر فی دُبُرهِ (بایقاب) هو غیاب الحشفه داخل دُبُرهِ، بایقاب و غیره ... و موجب الإقاب (الإدخال فی الدُبُر)». (محقق حلی، ۴۱۲ق)

در کتاب الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه نیز شهید ثانی، «و هو وطء الذکر و اشتقاقه من فعل قوم لوط ... (فمن أقر بإیقاب ذکر) آی إدخال شیء من الذکر فی دُبُرهِ ولو مقدار الحشفه و ظاهرهم هنا الاتفاق علی ذلک». (شهید ثانی، ۱۳۷۴)

لواط، از جمله جرایم جنسی فیزیکی بوده که تحت هر شرایطی در دین اسلام دارای حرمت و مستوجب مجازات حدی می‌باشد. در برخی از کشورهای جهان، همجنس‌گرایی آزاد اعلام شده و روابط جنسی مردان در قالب این عمل شنیع تحت حمایت قانون قرار گرفته و حتی ازدواج مردان با یکدیگر هم قانونی اعلام شده است؛ لیکن دین اسلام به هیچ وجه، جوازی در این خصوص صادر نکرده و این جرم در حالت تراضی فاعل و مفعول، برای هر یک مجازات شدید حدی داشته و در مصادیق لواط به عنف که در زمره جرایم جنسی به عنف قرار دارد، مجازات متجاوز، اعدام خواهد بود.

۲-۸- تفخیز در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: این جرم نیز بین دو مذکر انجام شده و عمل جنسی مادون لواط است. بر اساس ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین

ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است». در تبصره ماده ۲۳۵ قانونگذاری شده که: «دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است».

۲-۹- تفخیز در فقه:

فقها تفخیز را قرار دادن آلت جنسی مرد در بین ران‌ها و یا نشیمنگاه مرد دیگر و یا دخول به کمتر از قدر حشفه تعبیر نموده و تعریفی جز این در کتب فقهی یافت نمی‌شود. به نمونه‌هایی از این تعاریف اشاره می‌کنیم.

تحریرالوسیله: «إذا لم یکن الإیتان إیقاباً- کالتفخیز أو بین الألیتین- فحدّه مائه جلد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴) ترجمه تحریرالوسیله: «در صورتی که لواط به طور دخول نباشد مانند تفخیز یا بین دو کفل، حد آن صد تازیانه می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

إرشادالاذهان: «و إن لم یوقب جلد مائه، حرّین کانا أو عبدین» (علامه حلی، ۱۴۱۰ق) الروضه البهیة: «و إن لم یکن الفعل (إیقاباً کالتفخیز أو) جعل الذکر (بین الألیین)... (فحدّه مئه جلد)» (شهید ثانی، ۱۳۷۴) با وصف تعاریف یاد شده که اغلب به مجازات تفخیز پرداخته شده است؛ «این عمل، نوعی از رابطه جنسی بین مردان است که شرایط تامه لواط از لحاظ مقدار دخول، در آن محقق نشده باشد».

۲-۱۰- مساحقه: نوع خاص از همجنس‌گرایی زنان بوده که تعریف آن در ماده ۲۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ بیان شده است: «مساحقه عبارت است از اینکه انسان مونث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد». فقها در این خصوص ضمن بیان تعریفی واحد، صرفاً به مجازات آن پرداخته‌اند. حضرت امام خمینی (ره) در این خصوص مرقوم داشته‌اند: «یثبت السحق و هو وطء المرأه مثلها» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴) «سحق- که عبارت از این است که زن با زن وطی نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

۲-۱۱- تقبیل، ملامسه و مضاجعه:

تقبیل و ملامسه: بوسیدن همجنس از روی شهوت و لمس بدن و اندام‌های همجنس دیگر به قصد لذت شهوانی از دیگر جرائم جنسی بوده که هم، میان همجنس‌گرایان مذکر مصداق داشته و هم، میان همجنس‌گرایان مونث وجود دارد. در ماده ۲۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره ذیل آن به جرائم تقبیل و تفخیز اشاره شده است. «ماده ۲۳۷- همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملامسه از روی شهوت، موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است».

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد انسان مونث نیز جاری است».

مضاجعه، در زمره روابط نامشروع و اعمال منافی عفت غیر از زنا آمده و عبارت از هم‌آغوشی شهوانی مرد و زنی می‌شود که علقه زوجیت فی‌مابین آنان وجود ندارد.

۲-۱۲- قوادی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲:

با استناد به ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «قوادی عبارت از به هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا یا لواط است» که با استناد به تبصره ۱ همان ماده، «حد قوادی منوط به تحقق زنا یا لواط است در غیر این صورت عامل، مستوجب تعزیر مندرج در ماده ۲۴۴ قانون یاد شده خواهد بود». این جرم اغلب توسط گردانندگان باندهای فساد و فحشاء واقع شده و قوادانی را در بر می‌گیرد که با دایر کردن مراکز فحشاء موجب زنا یا لواط شده‌اند. اشخاصی که مراکز فساد و فحشاء دایر



ISC^{CM}
International Science Citation Center

Oxford Cert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

می‌کنند) بند «الف» ماده ۶۳۹ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵) و یا این گونه مراکز را اداره نمایند، به یک تا ده سال حبس محکوم شده و در صورتی که بر عمل ایشان، عنوان قوادی صدق کند، به حد قوادی نیز محکوم می‌شوند.

قوادانی که منفرداً مرتکب جرم شده و یا باند مجرمانه‌ای در این خصوص تشکیل نداده نیز کم نیستند و در تعاریف فقهی، به طور معمول از قواد به صورت انفرادی یاد شده، چرا که غلبه در اعصار گذشته، قوادی به طور انفرادی بوده است. برخی از قوادان، موجب به هم رسیدن بالغین جهت زنا یا لواط یا نابالغین می‌شوند، که مجازات آنها حد شرعی است که به آن پرداخته خواهد شد و برخی دیگر برای بهم رساندن اطفال با یکدیگر جهت زنا و لواط قوادی می‌کنند که مجازات آنان در ماده ۲۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، آمده است.

۱۳-۲- تعریف قوادی از منظر فقها:

در تعاریف فقها آمده است: «تثبت القيادة و هی الجمع بین الرجل و المرأه أو الصبیّه للزنا أو الرجل بالرجل أو الصبی للواط» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴)

«قوادی- و آن عبارت است از جمع نمودن بین دو مرد و زن یا دختر بچه برای زنا، یا مرد و مرد یا پسر بچه برای لواط» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵)

« وهو: الجامع بین الرجال أمثالهم للواط و بینهم و بین النساء للزنا» (علامه حلی، ۱۴۱۰ق)

«و اما القيادة: فهی الجمع بین الرجال و النساء للزنا، أو بین الرجال و الرجال للواط» (محقق حلی، ۱۴۱۲ق) «الجمع بین فاعلی الفاحشه من الزنا و اللواط و السحق» (شهید ثانی، ۱۳۷۴) که تعریف اخیر از شهید ثانی، به نظر جامع تر بوده چرا که «به عملی اطلاق شده است که در آن قواد، دو فاعل فحشاء برای زنا، لواط و یا مساحقه را جمع می‌نماید».

۳- ویژگی‌های جرایم جنسی موضوع بحث در این پژوهش:

در ابتدا بیان می‌دارد جرایم جنسی موضوع این پژوهش، «زنا، لواط، تفخیز، مضاجعه، تقبیل و ملامسه» بوده و استمنا (خودارضایی) داخل در بحث نمی‌باشد. بدین لحاظ ویژگی‌های جرایم مذکور را می‌توان به شرح زیر بیان داشت:

۱. جرایم جنسی، حداقل دارای دو مجرم می‌باشد. هریک از جرایم موضوع بحث دو طرف دارد، در زنا: «زانی و زانی»، در لواط: «فاعل و مفعول» و غیره.
۲. در فقه جزایی، برخلاف، قوانین بسیاری از کشورهای جهان، هر نوع از انواع روابط جنسی، جرم محسوب شده و صرفاً رابطه زناشویی بین زوج و زوجه که علقه شرعی بین آنان وجود داشته باشد، جرم محسوب نمی‌شود.
۳. جرایم موضوع بحث، دارای مجازات بوده که در قالب «حد» و «تعزیر» بر مرتکبین اعمال خواهد شد؛ با این وصف، عمل مرتکبین، باعث اثبات حد و یا تعزیر بوده و در صورت عفو بودن جرایم یاد شده، شدیدترین نوع مجازات در انتظار مرتکب خواهد بود.
۴. در اغلب کشورهای جهان، مصادیق یاد شده، در صورت عفو و تجاوز به عفو، جرم محسوب شده و مستوجب مجازات خواهد بود.



ISC^{CM}
International Science Citation Center



Oxford Cert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

۵. جرایم جنسی در صورتی که منافی عفت باشد، مستند به ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (الحاقی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴)، به طور مستقیم در دادگاه صالح رسیدگی خواهند شد.^۲
۶. در صورتی که متهم جرم زنا، مدعی زوجیت یا وطی به شبهه باشد، با استناد به ماده ۲۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، ادعای وی بدون بینه یا سوگند پذیرفته می‌شود مگر آن که خلاف آن با حجت شرعی لازم ثابت شود.
۷. مستنداً به نص ماده ۲۴۱ قانون اخیرالذکر، ماده ۱۲۰ همان قانون و قاعده فقهی «دراء»، در صورت فقد ادله کافی در جهت اثبات جرایم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است مگر آن که احتمال ارتکاب با عفت، اکراه، آزار، ربایش و یا اغفال یا مواردی که به موجب قانون در حکم ارتکاب به عفت است، وجود داشته باشد.
۸. همچنین با توجه به ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (الحاقی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴): «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده و یا دارای شاکی یا به عفت یا سازمان یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود».
۹. با توجه به سنگین بودن مجازات‌های حدی، اصل جزایی «رعایت حال متهم» که توسط شارع در فقه مدنظر قرار داشته و تبصره ۱ ماده ۱۰۲ قانون اخیر الذکر: «در جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدأ قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند».

۴- راه‌های اثبات جرایم جنسی به رضایت و به عفت:

طرق ثبوت جرایم جنسی موضوع این پژوهش، در قالب ادله اثبات در امور کیفری یکسان بوده و به واسطه «اقرار، بینه و علم قاضی» قابل اثبات است. البته نباید از سایر ادله اثباتیه مانند امارات، کارشناسی و غیره غافل شد لیکن سه طریقه یاد شده اهم ادله اثبات در احراز جرم مرتکبین بوده و بسته به نوع جرم و شدت و حدت آنها در هتک حیثیت و شخصیت مرتکبین در سطح جامعه، همچنین به دلیل شدید بودن مجازات برخی از آن جرایم، از حیث حدنصاب اقرار و حد نصاب شهود با یکدیگر متفاوت است. در جرایمی مانند زنا و یا لواط، حد نصاب اقرار، چهار مرتبه بوده و پس از اتمام چهارمین اقرار، حد زنا و یا لواط، بسته به نوع جرم، ثابت می‌گردد. در اثبات جرایم زنا و لواط از طریق بینه نیز، همین وصف معتبر است و با شهادت ۴ شاهد، مجازات حد شرعی ثابت خواهد شد و در غیر آن دادگاه حکم به شلاق تعزیری و در موارد شبهه، با استناد به قاعده فقهی «دراء»، مجازات ساقط خواهد شد.

۴-۱- طرق اثبات زنا:

فقه جزایی طرق اصلی اثبات جرم زنا را در وهله اول، اقرار و سپس بینه (شهادت شهود) دانسته و در مواردی، معاینه موضع زنا از لحاظ مشاهده موهای زهار مردانه بر روی بدن زنان و موضع نزدیکی و یا در موارد شبهه در بکارت و یا ازاله بکارت در زنا، مراجعه امر به زنان را جایز دانسته و علم قاضی را بر آن استوار دانسته است. لیکن با پیشرفت پزشکی و نحوه تشخیص جرایم جنسی در پزشکی قانونی، اثبات جرم از طریق علم قاضی، قوت بیشتری یافته و از طرق پزشکی و در موارد لزوم، ارجاع امر به پزشکی قانونی، قضات در صدور احکام جزایی در جرایم جنسی، علم و قطع خود را مبتنی بر ادله کافی بنا می‌نهند.

^۲ با استناد به تبصره ذیل ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ (الحاقی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴): «منظور از جرایم منافی عفت در این قانون، جرایم جنسی حدی، همچنین جرایم رابطه نامشروع تعزیری مانند تقبیل و مضاجعه است».

الف) راه‌های اثبات زنا در فقه جزایی:

در اسلام (فقه جزایی) بطور معمول، دو راه کلی برای اثبات زنا وجود دارد (فتاحی، خوش سلوک، ۱۴۰۲):

۱- اقرار طرفین

۲- شهادت چهار نفر شاهد

اگر چنانچه زناى محصنه یک شخص به وسیله هر یک از راه‌های فوق ثابت شود، آنگاه مجازات سنگسار در حق شخص زنا کار، با توجه به اینکه زناى وی به وسیله کدامیک از راه‌های فوق ثابت شده باشد متفاوت خواهد بود.

• **اقرار طرفین؛** زنا کننده که بالغ و عاقل و آزاد است در حال اختیار و بدون ارعاب و ترس چهار مرتبه و بنابر احتیاط در چهار جلسه اعتراف کند که زنا کرده است. اگر زناى محصنه از راه اقرار شخص زنا کار ثابت شود و شخص زناکار هنگام سنگسار از گودال فرار کرد، دیگر او را به گودال برنمی‌گردانند، حتی بنابر احتیاط اگر یک سنگ هم به او نخورده باشد نباید او را بازگردانند. ماده ۱۶۴ و بند (الف) ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مطابق با فقه جزایی به تشریح مجازات پرداخته است)

• **شهادت چهار نفر شاهد؛** چهار مرد عادل به دیدن عمل شهادت دهند، و اگر سه مرد و دو زن عادل یا دو مرد و چهار زن عادل هم شهادت دهند کافی است و زنا ثابت می‌شود. اگر زناى محصنه از راه شهادت شهود ثابت شود، آنگاه اگر هنگام سنگسار از گودال فرار کرد، فرار وی فایده ندارد و او را باید به گودال برگردانند و آنقدر سنگسار شود تا بمیرد. (مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تبع از فقه جزایی تبیین موضوع نموده است)

شایان ذکر است که در صورت تعارض ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت شرعی، قسامه و سوگند مقدم است. همچنین شهادت شرعی بر قسامه و سوگند تقدم دارد. (ماده ۲۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) به عبارت دیگر، می‌توان چنین استدلال نمود که اگر شخصی اقرار به امری کند دیگر دلیلی بر اثبات آن مدعا نیاز نخواهد بود، یعنی اقرار مشخص کننده‌ی تکلیف قاضی و خاتمه دهنده‌ی رسیدگی است. پس از این عنصر اثبات کننده‌ی جرم، شهادت از بیشترین درجه‌ی اهمیت برخوردار بوده، بطوریکه حتی قانونگذار شهادت شرعی را بر قسامه و سوگند ارجح می‌داند.

ب) راه‌های اثبات در قوانین جزایی:

مقنن در قانون مجازات اسلامی، دو راه دیگر علاوه بر آنچه در شرع برای اثبات زنا معرفی شده، به رسمیت شناخته و حتی می‌توان چنین ادعا نمود که علم قاضی را بر سه راه دیگر ارجح دانسته است و آنها عبارتند از:

۱- علم قاضی

۲- اقرار طرفین

۳- شهادت چهار نفر شاهد.

۴- وجود بینه و امارات

• **علم قاضی؛** عبارت از یقین حاصل از مستندات بین در امری است که نزد وی مطرح می‌شود. در مواردی که مستند حکم، علم قاضی است، وی موظف است قرائن و امارات بین مستند علم خود را به‌طور صریح در حکم قید کند. (مواد ۲۱۱ و ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) در هر حال مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات

مطالعین، گزارش ضابطان و سایر قرائن و اماراتی که نوعاً علم‌آور باشد، می‌تواند مستند قاضی قرار گیرد، اما مجرد علم استنباطی که نوعاً موجب یقین قاضی نمی‌شود، نمی‌تواند ملاک صدور حکم باشد.

• **بینه و امارات:** یکی از اماراتی که در این جرم بسیار حائز اهمیت می‌باشد، بحث وجود آثار ژنتیکی زانی در بدن زانیه و آثار عمل انجام شده، می‌باشد. از جمله مصادیق بارزی که در تبصره ذیل ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ مطرح شده، نظریه کارشناس است. در اینگونه موارد قاضی رسیدگی کننده به پرونده (بخصوص در صورت وجود ادعایی مبنی بر عنف بودن زنا یا همان تجاوز) فوراً دستور معرفی شاکی را به پزشکی قانونی جهت انجام معاینات تخصصی صادر می‌کند. از جمله مواردی که در تشخیص پزشکان شاغل در سازمان پزشکی قانونی موثر است وجود اثرات باقی مانده در بدن زانیه اعم از موهای زهار زانی، بقایای اسپرم، وجود جراحت، آثار بزاق دهان مرد بر نواحی پشت گوش، گردن، نوک سینه‌ی زن، حواشی لب و در ناحیه تناسلی زانیه می‌باشد که با نمونه برداری از آنها و تطبیق DNA آن با مشخصات ژنتیکی زانی به راحتی می‌توان فهمید که آیا شخص مظنون و متهم به جرم زنا، آیا همان شخصی است که شاکی معرفی نموده است یا خیر؟ پر واضح و بدیهی است که قاضی یک شخص حقوقدان بوده و تسلط ایشان بر حقوق و مواد قانونی می‌باشد و خارج از تصور نیست که وی تخصصی در امور تخصصی پزشکی نداشته باشد، به همین جهت گزارشات واصله از مرجع پزشکی قانونی الزاماً باید با دقت وافر و صراحت تنظیم گردد تا روشنایی بخش کیفیت و کمیّت عمل برای مقام قضایی بوده و وی بتواند مستند به آنها حکم مقتضی صادر کند.

۴-۲- طرق اثبات لواط:

طرق اثبات لواط و زنا با یکدیگر یکسان بوده و «ماده ۱۶۴، بند «الف» ماده ۱۷۲ و مواد ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲»، در خصوص اثبات این جرم موضوعیت دارد. نظر برخی از فقها در طریقه اثبات لواط را به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند. «و یثبت: بالإقرار أربع مرآت من البالغ العاقل الحرّ المختار و بشهادة أربعة رجال بالمعاینه». (علامه حلی، ۱۴۱۰ق) «و هو لایثبت إلاّ بإقرار الفاعل أو المفعول أربع مرآت، أو شهادة أربعة رجال بالمعاینه مع جامعیتهم لشرائط القبول». (موسوی خمینی، ۱۳۸۴) «لایثبتان إلاّ بالإقرار أربع مرآت، أو شهادة أربعة رجال بالمعاینه». (محقق حلی، ۱۴۱۲ق)

۴-۳- تفخیز و مساحقه:

طرق اثبات این جرایم جنسی نیز به مانند زنا و لواط است که در مطالب فوق آمده است.

۴-۴- قوادی:

مستند به بند «ب» ماده ۱۷۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، حد نصاب اقرار در جرم قوادی، دو بار بوده و با توجه به نص ماده ۱۹۹ قانون مارالذکر، نصاب شهادت در کلیه جرایم، که قوادی نیز در زمره آن محسوب می‌شود، دو شاهد مرد است.

۴-۵- اثبات جرایم جنسی به عنف (تجاوز به عنف):

راه‌های اثبات جرایم جنسی به رضایت مرتکبین به شرح مذکور بیان گردید، لیکن در تجاوز به عنف، به طور معمول متجاوز منکر جرم بوده و به ندرت و شاید به دلیل عذاب وجدان، اقرار به جرم نماید. در موارد تجاوز به عنف نیز از آنجایی که تجاوزگر با طرح نقشه قبلی و مهیا کردن شرایط تجاوز، مرتکب این جرم می‌شود، لذا امکان وجود شاهد نیز ضعیف خواهد بود. در مصادیق این جرم که اغلب با شکایت مجنی‌علیه و یا اولیای وی آغاز می‌شود، «علم قاضی در کشف جرم» دارای جایگاه ویژه



ISC^{CM}
International Science Citation Center

Oxford Cert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

بوده و حفظ آثار تجاوز به منظور تأیید مراتب از سوی پزشکی قانونی ضروری بوده ضمن آنکه سرعت در طرح شکایت از موارد ضروری می‌باشد.

با توجه به آنکه مجازات تجاوز به عنف شدید بوده و در صورت اثبات جرم، «سلب حیات (اعدام)» متجاوز را به دنبال دارد لذا مقام قضایی مستند به بند «الف» ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، می‌تواند بدون آنکه متهم را احضار نماید، «دستور جلب» وی را صادر کرده و با التفات به ماده ۱۸۸ قانون مذکور، «دستور منع خروج متهم از کشور» را صادر نماید. همچنین با استناد به ماده ۷۷ همان قانون، «در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم اقدامات لازم را به عمل می‌آورد». لذا بازداشت متهم در تجاوزات جنسی به عنف، با توجه به مواد یاد شده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در مواردی که بزه‌دیده بلافاصله پس از وقوع جرم شکایت نماید، ضروری به نظر می‌رسد در غیر این صورت فرار و اختفای متهم، محتمل بوده و باتوجه به مجازات اعدام متجاوز، دسترسی به متهم فراری جرایم جنسی به عنف، سخت و دشوار خواهد بود.

دقت نظرات صادره از سوی پزشکی قانونی در خصوص تجاوز به عنف نیز ضروری بوده و با استناد به تبصره ماده ۱ قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷ و ماده ۷ آئین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۰۸، «اظهار نظر پزشکان قانونی کشور در خصوص مسایل مربوط قضایی جنبه کارشناسی دارد که باید مستدل، روشن و متضمن شرح مشهودات و معاینات و مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی و با استفاده از روشهای جدید و نتیجه گیری کافی باشد تا دادرس را در مقام کشف واقعیت یاری نماید». (خوش سلوک، ۱۳۸۹)

به طور خاص در این دسته از جرایم، امکان ارائه ادله اثباتیه از سوی بزه‌دیده ممکن نبوده و تحصیل ادله کافی در احراز و اثبات تجاوزات جنسی برعهده مقام قضایی خواهد بود که با صدور اوامر قضایی به ضابط عام و یا در مواقع ضروری به ضابطان خاص، در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت می‌پذیرد.

۵- مجازات‌های حدی و تعزیری جرایم جنسی:

۵-۱- زنا:

مجازات زانی و زانیه در جرم زنا به شرح زیر در احکام فقهی و قوانین جزایی تعیین شده است:

الف) صد ضربه تازیانه

ب) اعدام

پ) رجم (سنگسار)

ت) سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق

ث) جلد، جزّ و تغریب

ج) اقدامات تأمینی و تربیتی در زناى نابالغ



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

که مختصراً به مصادیق هر مجازات اشاره می‌شود.

الف) صد ضربه تازیانه:

مجازات زانی و یا زانیه غیرمحصن، در مواردی که به اختیار مرتکب زنا شده باشند، با استناد به ماده ۲۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، یکصد ضربه شلاق خواهد بود. همچنین در صورتی که در زنا با محارم نسبی و زانی محصنه، زانیه بالغ و زانی نابالغ باشد، مجازات زانیه مستند به ماده ۲۲۸ قانون مارالذکر، فقط صد ضربه شلاق است.

با توجه به مفهوم ماده ۲۲۵ قانون یاد شده، در صورت عدم امکان رجم با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، در صورتی که جرم با بیینه ثابت نشده باشد و به واقع با اقرار مرتکبین به اثبات رسیده باشد، موجب صد ضربه شلاق برای هریک می‌باشد.

ب) اعدام:

با استناد به ماده ۲۲۴ قانون یاد شده، «حد زنا در موارد زیر اعدام است:

الف) زنا با محارم نسبی

ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است.

پ) زنا مرد مسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است.

ت) زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است». لذا مجازات اعدام صرفاً در برابر تجاوز به عنف، تشریح نشده و در موارد مذکور، مجازات متجاوز، سلب حیات و اعدام خواهد بود.

در تبصره ۲ ماده ۲۲۴ قانون اخیرالذکر، مصادیق در حکم زنا به عنف بدین شرح تبیین شده است: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و یا ترساندن زن اگر چه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است». که در این صور نیز، مجازات متجاوز اعدام خواهد بود. در موارد زنا به عنف و در حکم آن، چنانچه قربانی زنا، باکره باشد، متجاوز با توجه به ماده ۲۳۱ قانون یاد شده، علاوه بر مجازات اعدام، به پرداخت ارش البکاره و مهرالمثل نیز محکوم خواهد شد و در صورتی که باکره نباشد، فقط به مجازات اعدام و پرداخت مهرالمثل محکوم می‌گردد.

در ماده ۲۲۵ همان قانون، یکی دیگر از مصادیق اعدام، در زنا محصنه بوده و آن در صورتی است که امکان اجرای رجم وجود نداشته باشد، که در این حالت با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، چنانچه جرم با بیینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه خواهد بود.

پ) رجم (سنگسار):

در ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲: «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است». این مجازات رجم (سنگسار) زناکاران محصن و یا محصنه، در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادر کننده حکم



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
Universal

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه، در صورتی که جرم با بینه صادر شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است. به واقع سلب حیات زانی و زانیه، بجای سنگسار، با طناب دار صورت می‌گیرد.

(ت) سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق:

در ماده ۲۳۲ قانون مذکور آمده است: «هرگاه مرد یا زنی کمتر از چهار بار اقرار به زنا نماید، به سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش محکوم می‌شود. حکم این ماده در مورد لواط، تفخیز و مساحقه نیز جاری است.»

قانونگذار، جماع با میت را نیز زنا محسوب نموده و با استناد به ماده ۲۲۲ همان قانون، تشریح نموده: «جماع با میت، زنا است مگر جماع زوج با زوجه متوفای خود که زنا نیست لکن موجب سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش می‌شود.»

(ث) جلد، جز و تغریب:

حکم مجازات به جلد (تازیانه)، جز (تراشیدن موی سر) و تغریب (تبعید)، با استناد به ماده ۲۲۹ قانون ذکر شده، مختص مردی است که همسر دائم دارد، لیکن چنانچه قبل از نزدیکی با همسر خود، مرتکب زنا شود حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یکسال قمری می‌باشد.

(ج) اقدامات تأمینی و تربیتی در زنا نابالغ:

مستند به تبصره ۲ ماده ۲۲۱ قانون یاد شده: «هرگاه طرفین یا یکی از آنها نابالغ باشد، زنا محقق است لکن نابالغ مجازات نمی‌شود و حسب مورد به اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در کتاب اول این قانون محکوم می‌شود» که در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون اخیر، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مرتکبین نابالغ تعیین شده است.

۲-۵- لواط:

در قالب کلی، قانونگذار مجازات مرتکبین لواط را به شرح زیر تشریح نموده است:

(الف) اعدام:

با استناد به ماده ۲۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «حد لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احسان، اعدام است» لیکن «حد لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احسان) اعدام است». همچنین با عنایت به تبصره ۱ همان ماده، «در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است.»

(ب) صد ضربه شلاق:

مجازات دیگری که قانونگذار در جرم لواط تشریح نموده، یکصد ضربه شلاق می‌باشد و آن حد فاعل است در صورتی که لواط وی با مفعول، به علف یا اکراه نبوده و شرایط احسان را نیز دارا نباشد.

۳-۵- تفخیز:



ISC^{CM}
International Science Citation Center

OxfordCert
Universal

جرم تفخیز نیز دارای دو مجازات حدی می باشد:

الف) صد ضربه شلاق:

حد فاعل و مفعول در این جرم، صد ضربه شلاق است و فرقی میان مجازات محصن و غیرمحصن، علف و غیر علف نیست. این مجازات در ماده ۲۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ تشریح و تبیین شده است.

ب) اعدام:

در تبصره ماده فوق، تنها در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است که حکم و مجازات مندرج در تبصره ۱ ماده ۲۳۴ قانون مذکور در جرم لواط، برگرفته شده از آیه «نفی سبیل» (نساء، ۱۴۱) می باشد.

۴-۵- مساحقه:

حد مساحقه مستند به ماده ۲۳۹ قانون یاد شده، صد ضربه شلاق بوده و بر اساس ماده ۲۴۰ همان قانون، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محصن و غیرمحصن و علف و غیرعلف وجود ندارد.

۵-۵- تقبیل و ملامسه:

با استناد به ماده ۲۳۷ قانون مارالذکر و تبصره ۱ ذیل آن، مجازات این جرم، ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری درجه شش بوده و فرقی بین انسان مذکر و مونث در این حکم وجود ندارد.

۶-۵- قوادی:

الف) هفتاد و پنج ضربه شلاق حدی:

حد قوادی، منوط به تحقق زنا یا لواط است. (تبصره ۱ ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲) مستند به ماده ۲۴۳ قانون مذکور، «حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یکسال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است».

ب) سی و یک تا هفتاد چهار ضربه شلاق و حبس درجه شش تعزیری:

مستند به تبصره ۱ ذیل ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و نیز ماده ۲۴۴ همان قانون، در صورت عدم تحقق زنا یا لواط در جرم قوادی و همچنین زمانی که قواد دو یا چند نابالغ را برای زنا یا لواط به هم برساند، مستوجب حد نبوده لکن مجازات سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و حبس درجه شش محکوم می شود».

نتیجه گیری

جرایم جنسی چه به صورت فیزیکی باشد و چه به صورت غیرفیزیکی، در قوانین جزایی کشورمان جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده است. در جرایم جنسی فیزیکی که در این پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است؛ شارع مبادرت به جرم-



ISC^{CM}
International Science Citation Center

OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

انگاری نموده و مجازات این دسته از جرایم از قبیل «زنا، لواط، تفخیز، مساحقه، مضاجعه، تقبیل و ملامسه» توسط شارع حکیم در قالب حد و تعزیر تشریح شده است. برخی از جرایم جنسی، دارای حد شرعی بوده و برخی دیگر، مستوجب مجازات تعزیری خواهند بود.

هر یک از جرایم جنسی مورد بررسی در این پژوهش، دارای طرق اثبات جرم بوده و جرایمی از قبیل: «زنا، لواط، تفخیز و مساحقه» جهت اثبات، نیاز به ۴ مرتبه اقرار و یا شهادت ۴ شاهد به شرح مندرج در قوانین جزایی داشته و در سایر جرایم جنسی فیزیکی، با دو بار اقرار مرتکب و یا شهادت ۲ شاهد شرعی، جرم ثابت شده و مرتکب، مستوجب مجازات خواهد بود.

مجازات‌های حدی در صورت تکرار دارای آثار شدید بوده و مستند به ماده ۱۳۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، «هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است». در مجازات‌های تعزیری در صورتی که مقام قضایی، مجازات شلاق تعزیری صادر کند، می‌تواند از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه تازیانه، بسته به نوع و شیوه ارتکاب جرم تعیین نماید.

در صورتی که جرایم جنسی حدی، از قبیل: «زنا و لواط» به طور علف ارتکاب یابد، متجاوز به شدیدترین نوع مجازات (اعدام و سلب حیات) محکوم خواهد شد؛ لیکن در سایر جرایم حدی، از قبیل: «تفخیز و مساحقه»، تفاوتی میان ارتکاب جرم به طور علف و غیرعلف وجود نداشته و در هر شرایط، حد شرعی این جرایم، صد ضربه تازیانه خواهد بود.

علاوه بر مجازات شدید اعدام در تجاوز به علف (زنا به علف و لواط به علف)، زنا با محارم نسبی، رضاعی و مصاهری اعدام بوده و در زنا و لواط، در صورتی که زانی در زنا و یا فاعل در لواط، غیرمسلمان و زانیه در زنا و مفعول در لواط، مسلمان باشد؛ مجازات غیرمسلمان اعدام خواهد بود. در مصادیقی از قبیل تجاوز به قربانی در حالت بیهوشی، خواب یا مستی در حالی که شخص قربانی حاضر به عمل جنسی نباشد و همچنین زنا و لواط از طریق اغفال و فریب دادن قربانی نابالغ یا از طریق ربایش، تهدید و ترساندن در حکم زنا به علف بوده و مجازات اعدام تجاوزگر را در پی خواهد داشت.

در زنا محصن و محصنه نیز حد رجم بر مرتکبین اجرا خواهد شد که به دلایل مختلفی، این حد شرعی به مجازات اعدام تبدیل شده و اجرا می‌گردد.

در اغلب کشورهای جهان، برقراری رابطه جنسی با طرف دیگر رابطه، در صورتی که همراه با علف و اکراه نباشد، جرم نبوده و قانونگذار آن کشورها، نه تنها مجازاتی برای مرتکبین آن تعیین نکرده است، بلکه در برخی موارد از انواع رفتارها و روابط جنسی، حمایت کرده است و در صورت علف و اکراه از سوی متجاوز، جرم‌انگاری صورت پذیرفته و اکراه کننده به مجازات محکوم خواهد شد.

مراجع

ارجمند دانش، جعفر، ۱۳۹۲، *ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی*، چاپ چهارم، تهران، انتشارات بهنامی.

الاسدی، الحسن بن یوسف بن المطهر (العلامة الحلی)، ۱۴۱۰ ق، *إرشادالاذهان فی احکام الایمان*، ج ۲، قم، موسسه النشر الاسلامی.



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی

۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

بنی هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن، ۱۳۸۳، توضیح المسائل مراجع، چاپ هشتم، جلد ۲، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

بهجت، محمدتقی، ۱۳۸۵، جامع المسائل، چاپ اول، جلد ۵، دفتر حضرت آیت الله بهجت، قم.

الجبعی العاملی، زین الدین (الشهید الثاني)، ۱۳۷۴، الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۳.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ۱۳۹۰، وسیط در ترمینولوژی حقوق، چاپ چهارم، کتابخانه گنج دانش.

ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، ۱۳۶۷، المباحث الفقہیہ فی شرح الروضه البهیه، جلد ۲۸، ۲۹، ۳۰، قم، انتشارات وجدانی.

رزم ساز، بابک، ۱۳۹۲، روش های پیشگیری از جرایم جنسی و خلاف عفت عمومی در سیاست جنائی جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات مجد.

علوی گرگانی، محمدعلی، ۱۳۸۳، التعلیقہ علی تحریر الوسیله للامام الخمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه ای، مهدی، ۱۳۸۲، چاپ اول، شرکت انتشارات احیاء الکتاب.

گودرزی، فرامرز، ۱۳۷۷، پزشکی قانونی، ج ۱، انتشارات انتیشتین، چاپ اول.

لطفی، اسدالله، ۱۴۰۲، ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه، چاپ چهاردهم، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد.

مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الأنوار، دار إحياء التراث العربی، بیروت.

المحقق الحلّی، ۱۴۱۲ ق، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم، انتشارات امیر، چاپ سوم.

محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۲، قواعد فقه، بخش جزایی، جلد چهارم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.

معین محمد، ۱۳۸۷، فرهنگ فارسی معین، چاپ اول، انتشارات فرهنگ نما.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۴، تحریر الوسیله، چاپ دوم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۸۵، ترجمه تحریر الوسیله، چاپ اول، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، چاپ دوم، جلد ۲، نجف اشرف مطبعه الآداب.

مومن قمی، محمد، ۱۳۸۱، مبانی تحریر الوسیله، کتاب الحدود، ج ۲، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نوبهار، رحیم، ۱۳۸۹، اهداف مجازات ها در جرایم جنسی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۳۲

سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۲۱



ISC^{CM}
International Science Citation Center



OxfordCert
UNIVERSAL

نهمین همایش ملی تحقیقات میان رشته ای در مدیریت و علوم انسانی



۳۱ خرداد ۱۴۰۳ - تهران

سوره مبارکه فرقان، آیه شریفه ۶۸

سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۵

سوره مبارکه ممتحنه، آیه شریفه ۱۰

سوره مبارکه نساء، آیات شریفه ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۴، ۲۵ و ۴۱

سوره مبارکه نور، آیات شریفه ۲، ۳، ۸، ۳۱

آئین نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور مصوب ۱۳۷۳/۰۴/۰۸

قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب سال ۱۳۹۲

قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی مصوب ۱۳۷۲/۰۴/۲۷

قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده، مصوب سال ۱۳۷۵

قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۹۲

فتاحی، نُوزن، خوش سلوک، مهران، پاییز ۱۴۰۲. مطالعه تطبیقی شناخت انواع زنا در فقه و قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ کتاب حدود . حقوق و علوم سیاسی، ۴(۳)، صص. ۱۹۴-۲۰۸.

خوش سلوک، مهران، ۱۳۸۹، سخنرانی: ابعاد حقوقی و فقهی در تجاوزات جنسی و ازاله بکارت، کنفرانس خشونت جنسی، اورژانس پزشکی قانونی، آذر ۱۳۸۹.